

# کتاب مجموعه

○ مسعود کوهستانی نژاد  
پژوهشگر تاریخ مطبوعات



○ کتاب  
○ به کوشش:  
سید فرید قاسمی  
○ نشر مرکز: ۱۳۸۰

کتاب ایران نوشته شده است و در صفحه بعدی آن در مقدمه ناشر از رضانی با عنوان کسی که مؤسس و صاحب انتشارات کلاله خاور بوده است که عنوان پدر کتاب ایران به حق شایسته و سزاوار اوست» یاد می‌شود.<sup>۶</sup> نظر به اهمیت موضوع و جایگاه جزوات مزبور در سیر تاریخ کتاب ایران در قرن گذشته، نوشتار حاضر به بررسی و تجزیه کتاب مجموعه جزوات کتاب اختصاص یافته است.

\*\*\*

کتاب مجموعه جزوات کتاب از سه بخش کلی: مقدمه (۲۲ صفحه)، پیوستها (۶۶ صفحه)، متن جزوات چهارگانه کتاب تشکیل شده است.

بخش دوم یا پیوستها به ترتیب شامل:

اعلان مؤسسه خاور در سال ۱۳۰۹

عاشقترین مرد ایران متن مصاحبه چاپ شده در مجله روشنفکر در سال ۱۳۴۴.

گفت‌وگو با مدیر انتشارات ابن سینا [ابراهیم رضانی]

چاپ شده در هفته نامه جهان کتاب در سال ۱۳۷۴ (اصل گفت‌وگو در سال ۱۳۷۱ صورت گرفته است).

- متن گفت‌وگو با محسن رضانی، مدیر انتشارات پدیده که در فصلنامه بخارا در سال ۱۳۷۸ چاپ شده است.

درباره محمد رضانی و خانواده رضانی قبلاً کتاب تا چه شود از سیروس سعدوندیان منتشر شده بود. سید فرید

قاسمی نیز در چند مقاله به فعالیت رضانی‌ها در صنعت چاپ و نشر کتاب در ایران اشاره کرده بود که از آن جمله می‌توان به مقاله «مؤسسه خاور، بزرگترین انتشاراتی ایران

در هفتاد سال پیش» (مجله صنعت چاپ، شماره ۱۷۱،

مقدمه مجموعه کتاب که در اوایل دهه ۱۳۱۰ چاپ و منتشر شد. با این عبارات آغاز می‌شود: «مؤسسه خاور که از حیث طبع کردن کتاب رتبه اول را در میان کتابخانه‌های ایران دارد.» افزون بر سه دهه بعد در مرداد ۱۳۴۴ از سوی مجله روشنفکر مصاحبه‌ای با مرحوم محمد رضانی صورت گرفت که با عنوان «عاشقترین مرد ایران» در آن مجله به چاپ رسید.

در مقدمه مصاحبه از رضانی با عنوان «مردی که بی‌گمان روزی بزرگترین ناشر ایران بوده یاد می‌شود. سی و شش سال بعد در سال ۱۳۸۰، کوروش نوروز مرادی مقاله خود با عنوان «محمد رضانی، پدر کتاب ایران» را با عبارت «مرحوم محمد رضانی (کلاله خاور) را شاید بتوان «پدر کتاب ایران» نامید.» آغاز کرد.<sup>۷</sup> او در ادامه مقاله می‌نویسد: «[رضانی] از نخستین افرادی است که در ایران به نگهداری مجموعه‌های مطبوعات و کتاب همت گماشت.»<sup>۸</sup> کمی بعدتر همان‌جا نوشته شده است:

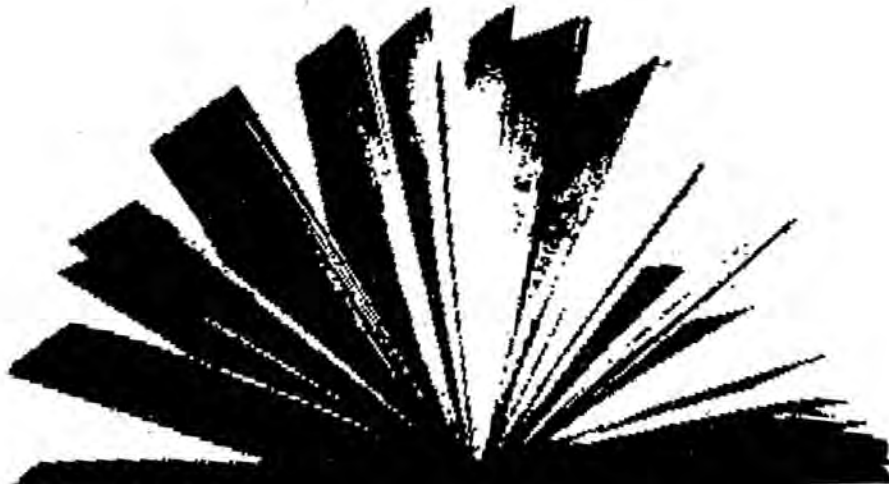
«مرحوم حاج خاور با تأسیس کتابخانه شرق، پرچمدار چاپ کتاب در ایران شد.»<sup>۹</sup>

مرادی در مقاله دیگری که به فاصله کوتاهی بعد از

مقاله فوق نوشت از رضانی با عنوان کسی که «به حق به عنوان پدر کتاب ایران می‌توان نام نهاد» یاد کرد.<sup>۱۰</sup> کمی

بعدتر، در سال ۱۳۸۰، در نخستین صفحه کتاب مجموعه جزوات چهارگانه کتاب که در فاصله فروردین تا دی ماه

۱۳۱۱ شمسی در مؤسسه خاور منتشر شده بود و بار دیگر به کوشش سید فرید قاسمی و در نشر مرکز چاپ و منتشر شده است. در ذیل عکس مرحوم رضانی عبارت «پدر



از حدود سال ۱۳۰۲ به بعد با محدود شدن تدریجی جراید، کتاب عهده‌دار این قسمت از آموزشهای فرهنگی جراید در جامعه شد. رواج بیشتر چاپ و انتشار کتاب در طی سالهای بعدی گواهی بر جایگزینی فوق به شمار می‌رود. مجموعه جزوات «کتاب» شاهد مناسب بر اوج گیری فرهنگ کتابخوانی در ایران طی سالهای ۱۳۰۱ - ۱۳۱۰ است

فروردین ۱۳۷۶) اشاره کرد.

سید فرید قاسمی مقدمه کتاب مجموعه جزوات کتاب را با تقدیر و بزرگداشت محمد رضانی چنین آغاز می‌کند: «نشر ایران در قرن اخیر همواره وامدار یکی دو خاندان بوده است که پرتلاش و ملاموم بر رونق آن افزودند. یکی از این خاندانها، خانواده رضانی است.»<sup>۲</sup>

او سال ۱۳۰۲ را نقطه عطفی در تاریخ نشر ایران قلمداد می‌کند: «زیرا در آن سال به رغم شمار اندک باسوادان و کتابخوانان، مؤسسه‌ای در تهران پا گرفت که موجب تحول چاپ و نشر و رونق بازار کتاب شد و تا حدودی کساد بازار کتاب در آن روزگار را درهم شکست. این مؤسسه را ابتدا کتابخانه شرق و پس از چندی کلاله خاور و سپس خاور نام نهادند. بنیانگذار، مدیر و گرداننده این مؤسسه مرحوم حاج محمد رضانی بود که به «حاجی خاور» نامبردار شد و به «پدر کتاب ایران» شهرت پیدا کرد. وی در سال ۱۲۸۳ متولد و در تیرماه ۱۳۴۶ دار فانی را وداع گفت.»<sup>۳</sup>

تأسیس قرائت‌خانه‌ای با نام اتفاق، نشر مجموعه اقتصاد انتشار مجله تجارت، تأسیس کتابخانه شرق (و مؤسسه خاور بعدی)، انتشار مجله شرق و انتشار جزوات چهارگانه کتاب در سال ۱۳۱۱، فعالیتهای فرهنگی رضانی است که در مقدمه کتاب مورد بحث به آنها اشاره می‌شود.

علاوه بر آن، در مقدمه با ذکر نقل قولهایی از بزرگان ادب و فرهنگ کشور تلاش شده است مشخصات و زوایای فعالیتهای مرحوم رضانی مشخص شود.

پس از مقدمه، پیوسته‌های چهارگانه و سپس بخش

سوم کتاب یا بدنه اصلی آن شامل مجموعه جزوات «کتاب» قرار دارد. در صفحه نخست مجموعه، محمد رضانی در مقام ناشر مجموعه، آن را «مجموعه جزواتی معرفی می‌کند که هر سه ماه یک مرتبه از طرف مؤسسه خاور تهران منتشر می‌شود.»<sup>۴</sup> جزوه اول مجموعه در فروردین ۱۳۱۱، جزوه دوم و سوم در یک مجلد در مهرماه همان سال و جزوه چهارم در دی ماه ۱۳۱۱ منتشر شد. جزوات مزبور سپس در مجموعه‌ای با عنوان «کتاب» همراه با فهرست مطالب جزوات و مقدمه‌ای در معرفی مجموعه «کتاب» در سه هزار نسخه تجدید چاپ شد.

جزوه اول شامل معرفی انتشارات مؤسسه خاور به ترتیب عنوان: شاهنامه، مجله شرق، طبع کتب ادبی، تواریخ، کتب دینی، کتب اخلاقی، متفرقه، معرفی مجموعه افسانه و نویسندگان آن و رمان و معرفی بخشی از سالنامه‌ها، مجلات و کتابهای منتشر شده در ایران در فاصله سالهای ۱۳۰۱ - ۱۳۱۰ است. (به ترتیب عنوان: مجلات منتشر شده در ایران، معرفی کتب تاریخی، کتب جغرافیایی و سالنامه‌ها).

معرفی کتابها در جزوات دوم و سوم ادامه می‌یابد (به ترتیب عنوان: دیوان اشعار، کتب ورقی، کتب ادبی، کتب اخلاقی و تربیتی، رمانهای دینی و اخلاقی مسیحی، رمانهای متفرقه اخلاقی - فلسفی - پلیسی، معرفی فهرست افسانه‌های منتشره توسط مؤسسه خاور، کتب کوچک قصه‌های ایرانی، تئاتر، کتب طبی، کتب روحی، کتب اقتصادی و فلاحی، لغت و دیکسیونرها، کتب السنه خارجی به فارسی، کتب متفرقه کتب حقوقی و قوانین،

دروس کلاس قضایی و ثبت قوانین، کتب درسی، کتب مربوط به نسوان).

در جزوه چهارم بخشی از کتابهای فوق به علاوه تعدادی از کتابهای جدید به طور کامل معرفی شده‌اند. (به ترتیب عنوان: رمانهای جدید ایرانی، رمانهای خارجی، گل‌های خندان، اقامه رمانهای خارجی، کتب تربیتی، کتب متفرقه اخلاقی و کتب دینی).

در مجموع، مجموعه ۱۵۲ صفحه‌ای جزوات «کتاب» شامل مقدمه (۸ صفحه)، جزوه اول (۴۰ صفحه)، جزوه دوم و سوم (۶۴ صفحه) و جزوه چهارم (۴۰ صفحه) است.

\*\*\*

یکی از ویژگیهای بسیار مهم انقلاب مشروطیت در ایران رواج فرهنگ مطالعه در میان طبقات مختلف مردم است. با گسترش نهضت مدرسه‌سازی در ایران از اواسط دوره ناصرالدین شاه به بعد به طور فزاینده‌ای بر تعداد فارغ‌التحصیلان مدارس جدید کشور افزوده می‌شد. نیاز آنها به آشنایی با موضوعات علمی، فرهنگی و اجتماعی سبب گسترش تعداد رسانه‌های مکتوب در کشور شد. در این میان پیروزی سیاسی انقلاب مشروطه در ایران نقش قاطعی در گسترش هر چه بیشتر روزنامه‌ها، مجلات و کتاب در ایران ایفا کرد. البته به دلیل ویژگیهای عصر مشروطه و گسترش فضای آزاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کشور، جراید گسترش فوق‌العاده‌ای پیدا کردند و بدین ترتیب آنها نقش اصلی را در آموزشهای مکتوب فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مردم به عهده گرفتند و کتاب در درجه بعدی اهمیت قرار گرفت. بر همین اساس جراید

عصر مشروطیت حاوی میراث عظیم فرهنگی ایران آن دوره هستند. متون ادبی، رساله‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متعددی در جراید آن دوره به چاپ رسید. به نوعی که تنها عناوین رمانهایی که به طور مسلسل در جراید سالهای ۱۲۸۶-۱۳۰۲ شمس چاپ شدند شاید تشکیل یک کتاب مستقل را بدهند.

از حدود سال ۱۳۰۲ به بعد با محدود شدن تدریجی جراید کتاب عهده‌دار این قسمت از آموزشهای فرهنگی جراید در جامعه شد. رواج بیشتر چاپ و انتشار کتاب در طی سالهای بعدی گواهی بر جایگزینی فوق به شمار می‌رود. مجموعه جزوات «کتاب» شاهد مناسب بر اوج‌گیری فرهنگ کتابخوانی در ایران طی سالهای ۱۳۰۱-۱۳۱۰ است. مؤسسات انتشاراتی متعددی پای به عرصه وجود نهادند یا با تشدید فعالیت خود، نقش بسزا و سودمندی در این خصوص ایفا کردند که از آن جمله می‌توان به مؤسسات انتشاراتی و مطالع مجلس، بروخیه، فاروس، باقرزاده و علمی اشاره کرد. مؤسسه خاور نیز از جمله مؤسسات انتشاراتی فعال این دوره بود که در زمینه‌های گوناگون از جمله تأسیس قرائتخانه، گردآوری نسخ جراید قدیمی، انتشار مجله و بالاخره چاپ و انتشار کتاب فعالیت می‌کرد. مدیریت کتابخانه شرق و مؤسسه خاور بعدی را مرحوم محمد رضانی به عهده داشت که فعالیت در عرصه فرهنگی را همچون سنت خانوادگی از پدر به ارث برد و آن را تلاوم و گسترش داد و به نسل بعدی خود منتقل ساخت. اهم فعالیت‌های رضانی که در کتاب مجموعه جزوات کتاب مورد اشاره قرار گرفته به این شرح است:

**قرائتخانه:** در مقدمه سید فرید قاسمی به نقش رضانی در «اداره قرائتخانه» اشاره کرده است.<sup>۱۰</sup> در نوشته‌های دیگری که در خصوص زندگی مرحوم رضانی در دست است نیز به تأسیس قرائتخانه‌ای به نام «اتفاق» به کوشش وی در سال ۱۳۳۹ قمری اشاره شده است. اعلامیه آغازین قرائتخانه اتفاق، نخستین بار در اسفند ۱۳۰۰ (حدود جمادی‌الثانی ۱۳۴۰ قمری) با امضای «از طرف شرکاء» انتشار یافت. بر این اساس در این قرائتخانه «همه نوع کتب علمی و ادبی و اخلاقی و تاریخی و رمان و جراید و مجله داخله برای قرائت مجانی حاضر» بود. حدود شش ماه بعد از آن، در شهریور ۱۳۰۱ (اواخر ۱۳۴۰ قمری) اعلامیه‌ای با عنوان «قرائتخانه اتفاق» به امضای «محمد رضانی صاحب و مؤسس قرائتخانه اتفاق» منتشر شد. در ابتدای اعلامیه او ضمن برشمردن موانع گوناگون برای توسعه قرائتخانه اعلام می‌کند: «تا به حال که از تأسیس آن هفت ماه می‌گذرد به قدر قوه در فراهم آوردن لوازم اولیه کوشیده و حال چون مکان آن را برای انجام خیالات خود محقر دیدم محل آن را به بالاخانه‌های پستخانه واقع در همان خیابان فرمانفرما مقابل خیابان ارامنه نقل نموده و کلاسهای دروس خارجه را هم بدان ضمیمه نموده و به عون‌الله تعالی بزودی کلاس مجانی اکابر هم باز خواهیم نمود. ضمناً برای تفریح دماغ به تأسیس یک کلوپ فوتبال برای رفقای محصل و آقایانی که مایل به دخول باشند اقدام نموده.»



**مرحوم رضانی بر مجلدات فوق «جزوه» نام نهاده است. در حالی که کوششگر محترم تلاش بس و افری در جهت عنوان نشریه بخشیدن به این جزوات مبذول نموده است. علت این دوگانگی مشخص نیست**

**اساساً در تاریخ معاصر ایران اعطای صفات «برترین» به افراد، گروهها و... کمی خوشبینانه بوده و نیازمند مذاقه بیشتری است**

در ماههای بعد کلاسهای اکابر، ادبیات فارسی، حساب، فرانسه، (توسط مسیو ژوزف اوس یوف) در محل قرائتخانه تشکیل شد. ولی تنها شش ماه بعد و در نخستین سالگرد تأسیس قرائتخانه (اسفند ۱۳۰۱) بود که محمد رضانی با صدور اعلامیه‌ای با عنوان «اخطار» اعلام کرد: «قرائتخانه اتفاق به مناسبت عدم استفاده مردم از مؤسساتش مبتدل و مورد استفاده‌های نامشروع واقع شدن قرائتخانه منحل شد و در عوض کتابخانه شرق تأسیس شد.» بدین ترتیب، پرونده قرائتخانه اتفاق بسته شد و کتابخانه شرق شروع به فعالیت کرد.

قبل از ورود به بحث کتابخانه شرق و مؤسسه خاور، تذکر یک نکته ضروری است. در طی سالهای ۱۳۰۰-۱۳۰۲ مؤسسات فرهنگی دیگری در تهران و برخی نقاط دیگر ایران فعالیت می‌کردند. برخی از این مؤسسات فعالیت گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف فرهنگی داشتند. تأمین مالی انتشار روزنامه یا مجله، تأسیس قرائتخانه و کتابخانه تشکیل جلسات سخنرانی، انتشار کتاب و حتی در یک نمونه منحصر به فرد، تشکیل اتحادیه جراید از جمله فعالیت‌های متنوع این گونه مؤسسات بود. در چنین بستری فرهنگی، مرحوم رضانی نیز به فعالیت‌هایی مشابه پرداخت. مؤسسه خاور تأمین‌کننده مالی مجله شرق بود. این نکته به نیکی در سرمقاله‌ای به قلم سعید نفیسی در شماره اول، دوره اول [سوم] مجله شرق در دی ماه ۱۳۰۹ بیان شده است: «مدتها بود که جمعی از دانشمندان تهران خود را به

وجود مجله‌ای که ناشر تحقیقات و روشحات نامه‌ایشان باشد محتاج می‌دانستند و از این که مجله ادبی منظمی نیست که حاوی کلیه فروغ ادبیات ایران به مصداق جدید باشد متأسف بودند و بالاخره نگارنده این سطور را مأمور کردند که این خدمت بزرگ را به عهده بگیرد. نگارنده هم از این مأموریت کمال مباهات را دارد و مفتخر است که در آغاز هر ماه بهترین صحافی را که از زیر قلم ادبی معروف تهران بیرون آمده است به خوانندگان عرضه دارد و به سهم خود از آقای محمدرضانی که مخارج گران طبع و نشر این اوراق را هر ماه به عهده می‌گیرند، متشکر است. خط مشی این مجله ادبی ماهیانه بنابر شوری که با فضایی تهران شده است و به تصویب ایشان رسیده آن است که این مجله نماینده حال کنونی ادبیات ایران خواهد بود.»<sup>۱۱</sup>

مرحوم رضانی در مقدمه جزوه اول کتاب می‌نویسد: «مؤسسه خاور در مهرماه ۱۳۰۲ با سرمایه شخصی و فقط برای نشر کتاب تأسیس شد.»<sup>۱۲</sup> بنابراین، کتابخانه شرق تنها هفت ماه به فعالیت ادامه داد و سپس به مؤسسه خاور تبدیل شد. در مقدمه مذکور که در مقدمه سید فرید قاسمی بر کتاب مورد بحث نیز نقل شده است، از طبع متجاوز از ۲۰۰ مجلد کتاب در طی سالهای ۱۳۰۲-۱۳۱۱ یاد می‌شود. مرحوم رضانی در خصوص کتابهای منتشره بیان می‌دارد: «در میان مطبوعات نه ساله این مؤسسه داستانهای تاریخی و ادبی جای مهمی را اشغال می‌کند. شماره رمانهای طبع شده در این مؤسسه از ۱۲۰ جلد تجاوز می‌کند. پس از آن کتب ادبی و تاریخی و اجتماعی نیز در بین مطبوعات مؤسسه خاور از حیث تعداد و اهمیت قابل ملاحظه است.»<sup>۱۳</sup> رضانی مؤسسه خاور را در ایران منفرد می‌داند و بیان می‌کند: «کتابخانه یا مؤسسه دیگری نمی‌توان یافت که در طی این مدت لااقل ثلث کتب مؤسسه خاور را به طبع رسانیده باشد.»<sup>۱۴</sup>

برای بررسی هر چه بهتر محتوای جزوات چهارگانه کتاب مناسب است مروری بر چند عنوان از آنها داشته باشیم. قبلاً گفته شد که جزوه اول کتاب اختصاص به معرفی کتابهای چاپ شده مؤسسه خاور دارد. ابتدا مروری بر بخش «تورایخ» جزوه مذکور خواهیم کرد. براساس اطلاعات موجود در این بخش در طی سالهای ۱۳۰۲-۱۳۱۱ هفت عنوان کتاب در مؤسسه خاور و هفتاد و چهار عنوان کتاب تاریخی در دیگر مؤسسات نشر ایران انتشار یافت.

در بخش کتب دینی، براساس اطلاعات موجود در جزوات اول، دوم و سوم، در طی سالهای ۱۳۰۲-۱۳۱۱ سه عنوان کتاب در مؤسسه خاور و پنج عنوان در مؤسسات دیگر چاپ شد. ولی در جزوه چهارم (صفحات ۳۳-۴۰)، در این دوره از هشتاد و پنج عنوان کتاب مذهبی یاد می‌شود. مروری بر مشخصات عناوین مذکور نشان می‌دهد که از بین هشتاد و پنج عنوان کتاب دینی، هشت عنوان در مؤسسه خاور، سیزده عنوان در مطبعه علمی، هفت عنوان در مطبعه اخوان کتابچی، شش عنوان در مطبعه حاجی عبدالرحیم، پنج عنوان در مطبعه باقرزاده، پنج عنوان در مطبعه مجلسی و سه عنوان در مطبعه خراسان چاپ شده

است.

در قسمت ادبیات و رمان، مرحوم رضانی «شماره‌های رمانهای طبع شده در مؤسسه خاور را از ۱۲۰ جلد» متجاوز اعلام می‌کند. انتشار افسانه‌های شیرین و دلچسب شاهنامه فردوسی را نیز بهترین معرف خدمات مؤسسه خاور می‌داند. براساس اطلاعات ارائه شده در جزوه اول کتاب هفده عنوان کتاب ادبی (اعم از تراجم احوال، دوآوین) در فاصله سالهای ۱۳۰۲ - ۱۳۱۱ در مؤسسه خاور منتشر شده است.

مشخصات این هفده عنوان کتاب بازگو می‌شود. ولی در صفحه ۱۶ جزوه اول کتاب در ذیل عنوان رمان، سپس از اعلام این موضوع که «جمعاً مؤسسه خاور یک صد و بیست و یک رمان طبع نموده است.» در ادامه تنها به ذکر نام رمانها بسنده می‌شود.

جزوه اول در فروردین ۱۳۱۱ منتشر شد. اما در جزوه چهارم که در دی ماه همان سال چاپ شد در ذیل عنوان «رمانهای ترجمه از السنه خارجی» مشخصات دقیق‌تر کتابهای مذکور بیان می‌شود. مشخصات مزبور گویای واقعیت دیگری است. از ۱۲۶ جلد کتابی که در ذیل عنوان فوق معرفی می‌شود فقط ۵۹ عنوان در چاپخانه خاور طبع شده است و ۶۷ عنوان دیگر را دیگر مؤسسات انتشاراتی چاپ کرده‌اند. برای مثال، در صفحه ۱۶ از جزوه اول در معرفی صنو بیست و یک عنوان رمان چاپ مؤسسه خاور آمده است: «از موريس لبلان هم پانزده جلد افسانه آرسن لوپن ترجمه شده است به قرار ذیل: دنلان ببر، ۸۱۳، توده طلا و سنگ معجزه هر یک در دو جلد قصر مرموز، سر تنگ بلور، مجادله با هلمسن، زنگ ساعت، دزد ظریفه رقااص جوان و گردنبند.»

در حالی که در صفحات ۱۵ و ۱۶ جلد چهارم در هنگام معرفی کتابهای موريس لبلان (آرسن لوپن آمده است: رمانهای سر تنگ بلور، توده طلا (مجلدات اول و دوم) و قصر مرموز در مطبعه بوسفور، رمان دنلان ببر (مجلدات اول و دوم) در مطبعه تهران، رمانهای ۸۱۳ (مجلدات اول و دوم) و مجادله با هلمسن در مطبعه سعادت، رمان زنگهای ساعت در مطبعه شرق و رمان احتراق بمب (دو جلد) در چاپخانه اتحادیه به چاپ رسیده است. رمانهای سنگ معجزه (دو جلد)، دزد ظریفه رقااص جوان و گردنبند نیز در چاپخانه خاور چاپ شده است.

همچنین براساس اطلاعات ارائه شده در جزوه اول (ذیل عنوان رمان) مجلدات ششم تا یازدهم رمان ركامبول در مؤسسه خاور چاپ شده است. اما براساس اطلاعات مندرج در جزوه چهارم مجلدات ششم تا یازدهم رمان مذکور در مطبعه سعادت طبع شده است. بدیهی است که مجموعه جزوات افسانه اساساً در قالب کتاب تعریف نمی‌شود.

علاوه بر موارد فوق پاره‌ای ابهامات نیز در بررسی محتوای فهرستهای ارائه شده در چهار جزوه کتاب وجود دارد که رفع آنها نیازمند فرصتی جدی‌تر است؛ از جمله در صفحه ۱۱ از جزوه اول در ذیل عنوان «تاریخ انقلاب روسیه» می‌خوانیم: «اوسپ لوریه نویسنده فرانسوی در

این کتاب حوادث انقلاب کبیر روسیه را به دقت تمام بیان کرده و علل اجتماعی انقلاب مزبور را شرح داده است. این کتاب به قلم آقای نصرالله فلسفی با انشایی زیبا و متین ترجمه شده و مؤسسه خاور به طبع آن اقدام کرده است.»

در صفحه ۳۳ همان جزوه در ذیل «انقلاب کبیر روسیه» آمده است: انقلاب کبیر روسیه تألیف اوسپ لوریه ترجمه نصرالله فلسفی در سال ۱۳۰۳ در مطبعه سعادت در ۹۱ صفحه خشتی طبع شده. قیمت سه قران و نسخ آن کمیاب است. قرائت این کتاب برای کسانی که علاقه‌مندند از جریان اوضاع روسیه بعد از جنگ بین‌الملل مطلع شوند بسیار مفید است.»

در صفحه ۱۲ از جزوه اول در ذیل عناوین کتب دینی از انتشارات مؤسسه خاور بیان می‌شود: «نیچریه رساله‌ای است که به قلم سید جمال‌الدین اسدآبادی نگارش یافته و درباره مذهب طبیعیون و عقاید آنان گفتگو می‌کند.» در حالی که در بخش کتب دینی جزوه چهارم چنین کتابی جزو انتشارات مؤسسه خاور نیامده و به عوض آن در واپسین صفحه جزوه چهارم (صفحه ۴۰) آمده است: «نیچریه تألیف سید جمال‌الدین اسدآبادی در سال سیصد و سه در مطبعه سعادت تهران در ۸۳ صفحه کوچک طبع شده و قیمت دو قران و موضوع رد بر طبیعیون است.»

در مجموع، بدیهی است که بررسی مورد به مورد هر یک از عناوین فهرستهای ارائه شده در جزوات کتاب تصویر علمی‌تری نسبت به وضعیت چاپ و انتشار کتاب ارائه می‌دهد. لیکن این بررسی از حوصله نوشتار حاضر خارج است و فرصت دیگری می‌طلبید.

#### جمع‌بندی

پس از بررسی مختصری پیرامون کتاب مجموعه جزوات کتاب پاره‌ای ابهامات کلی درباره آن وجود دارد که رفع آنها کمک سودمندی به فهم ارزش واقعی جزوات مذکور می‌کند.

نکته اول: آنچه در تجدید چاپ یک کتاب یا مجموعه حائز اهمیت است نخست ارائه اطلاعات دقیق درخصوص نسخه اصلی است. آن گونه که از متن صفحه سوم کتاب برمی‌آید جزوات مذکور را محقق گرامی، جناب آقای گلین، در اختیار کوششگر کتاب نهاده‌اند. ولی مشخصات دقیق نسخه موجود نزد آقای گلین ارائه نشده است. همچنین مشخص نمی‌شود که آیا نسخه مذکور منحصر به فرد است یا در برخی کتابخانه‌ها وجود دارد؟

نکته دوم: مرحوم رضانی بر مجلدات فوق «جزوه» نام نهاده است. در حالی که کوششگر محترم تلاش بس وافر در جهت عنوان نشریه بخشیدن به این جزوات مبنول نموده است. علت این دوگانگی مشخص نیست.

نکته سوم: محقق گرامی، آقای سید فرید قاسمی در صفحه ۱۵ از مقدمه خود بر مجموعه جزوات کتاب می‌نویسد: «نخستین نشریه ادواری با عنوان خاص و مستقل در زمینه کتاب در ایران مجموعه‌ای است با عنوان «کتاب» که به مدیریت مرحوم حاج محمد رضانی در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در تهران منتشر شد.

شایان ذکر است که در سال ۱۳۱۱ جزوه‌های اول تا

چهارم «کتاب» چاپ شد و نه مجموعه «کتاب». تاریخ چاپ و انتشار مجموعه «کتاب» شامل مقدمه و جزوات مذکور مشخص نیست. با توجه به اینکه صفحه «د» از مقدمه مجموعه کتاب دارای عنوان «مجموعه کتاب چرا سال گذشته منتشر نشد.» است می‌توان احتمال داد که «جزوات کتاب» قرار بوده در سال ۱۳۱۲ نیز منتشر شود ولی این کار صورت نگرفته است و مرحوم رضانی در سال ۱۳۱۳ به جای اتمام انتشار «جزوات کتاب»، جزوات چهارگانه سال ۱۳۱۱ را در مجموعه‌ای با عنوان مجموعه «کتاب» چاپ کرده است.

نکته چهارم: مرحوم رضانی در صفحه «د» از مقدمه مجموعه کتاب می‌نویسد: «در خاتمه برای آنکه موضوع کهنه نشود و حقانیت ما ثابت گردد کتابی به سبک رمان راجع به مظالم آقای بهرامی و سایر مالکین با اسناد مثبت تهیه نموده و به ضمیمه جزوه پنجم مجموعه کتاب به قارئین محترم تقدیم و از این راه شاید به قبول عفویشان در موضوع تعویق نشریات موفق گردیم.»

انتشار جزوه پنجم «کتاب» در پرده ابهام است.

نکته پنجم: به نظر می‌رسد اطلاق کلماتی نظیر «بزرگترین»، «نخستین» به یک پدیده یا واقعه نیازمند یک بررسی همه جانبه است. این بررسی مستلزم کمک گرفتن از منابع درجه اول و استفاده از روشهای تحلیل تاریخی است. اساساً در تاریخ معاصر ایران اعطای صفات «بزرگترین» به افراد گروهها و... کمی خوشبینانه بوده و نیازمند مذاقه بیشتری است. بدیهی است در نتیجه انجام یک بررسی تاریخی از وضعیت کتاب و کتابداری در ایران طی یک قرن اخیر، نقش و جایگاه بزرگانی همچون مرحوم رضانی و خانواده او و نیز بسیاری از بزرگان دیگر در عرصه کتاب مشخص می‌شود و تصویری نسبتاً واقعی از تاریخ و پیشینه فرهنگی کشورمان ترسیم خواهد شد.

#### پاورقی:

۱. کتاب / به کوشش سید فرید قاسمی. تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰، ص ۲۹.
۲. کوروش نوروز مرادی. «محمد رضانی؛ پدر کتاب ایران». ماهنامه پیام بهارستان، شماره ۲، فروردین ۱۳۸۰، ص ۶.
۳. همان.
۴. همان.
۵. کوروش نوروز مرادی. «کارنامه درخشان حاجی خاور (محمد رضانی)، فصلنامه حوزه، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۰، شماره مسلسل ۳۱، ص ۵۲.
۶. کتاب، ص ۱.
۷. همان، ص ۳.
۸. همان، صص ۴ و ۵.
۹. همان. بخش «کتاب»، مقدمه مجموعه، مقدمه.
۱۰. همان، ص ۹.
۱۱. کتاب، ص ۱۱.
۱۲. همان. بخش جزوات، جزوه اول، ص ۲.
۱۳. همان.
۱۴. همان.